

به دنبال خودسوزی و فوت جوان اهوازی

شهردار اهواز استعفا داد

روز گذشته استانداری خوزستان با اعلام خبر استعفای رضا امینی، شهردار اهواز، از برکناری تعدادی از مقامات شهرداری این شهر خبر داد. این اقدام در پی درگذشت احمد بالدی، صورت گرفت؛ جوان ۲۳ ساله اهوازی و دانشجوی شهرسازی دانشگاه آزاد که روز ۱۲ آبان ماه امسال به دلیل اعتراض به رفتار مأموران اجرائیات شهرداری اهواز اقدام به خودسوزی کرد. علاوه بر امینی، معاون خدمات شهری شهرداری، شهردار منطقه ۳، معاون شهرداری منطقه ۳ و مسئول اجرائیات شهرداری اهواز نیز از سمت خود برکنار شدند. روز سه‌شنبه ۲۰ آبان ماه و پس از اعلام خبر درگذشت احمد بالدی، رئیس‌جمهور با صدور دستور پیگیری سریع خطاب به وزیر کشور، از او خواست پیام تسلیت و ابراز همدردی او را به خانواده بالدی ابلاغ کند. محمد گلزاری، دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت نیز روز گذشته در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوست: «به دنبال حادثه تلخ درگذشت احمد بالدی و دستور رئیس‌جمهور مبنی بر بررسی حادثه، نشست شورای تأمین استان خوزستان امروز برگزار و شهردار اهواز به صورت کتبی استعفاداد.»

ایسن اتفاق پس از آن رخ داد که شهرداری اهواز اقدام به تخلیه یک مغازه اجاره‌ای در اطراف پارک زیتون کرد و تصویری از نحوه برخورد مأموران با اعضای خانواده بالدی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. روز ۱۲ آبان ماه مأموران ستاد اجرائیات شهرداری اهواز بدون رعایت موازین قانونی و حقوق شهروندی، برای تخلیه مغازه اغذیه‌فروشی احمد، به پارک زیتون مراجعه می‌کنند، اما تلاش‌های او برای جلوگیری از تخریب این مغازه خانوادگی به نتیجه نمی‌رسد و در نهایت در اعتراض به تخریب اغذیه‌فروشی خانوادگی خودسوزی می‌کند. «پس از بستری شدن احمد در بیمارستان طالقانی اهواز، جمعی از بستگان خانواده بالدی و شهروندان اهواز در مقابل بیمارستان تجمع کردند و از استاندار خوزستان که برای عیادت آمده بود، درخواست برکناری شهردار اهواز را مطرح کردند. پدر احمد، مجاهد بالدی به هم‌میهن گفته بود که درخواست او برای مهلت یک هفته‌ای از شهرداری و دادستانی برای تخلیه مغازه‌اش بی جواب مانده بود و آنها تأکید کردند که همان روز باید مغازه را تخلیه کند: «احمد آن روز قرار بود ساعت ۱۴ به خانه برگردد که یک دقیقه با غذاخوری آنها فاصله دارد. بالدی این بخش از روایت را از زبان همسرش تعریف می‌کند و توضیح می‌دهد: «مادرش گفت ۱۰ دقیقه، یک ربع گذشت و احمد نیامد، گفتم شاید با اجرائیات (ستاد اجرائیات پیشگیری و کنترل نظم شهری شهرداری اهواز) به مشکل برخورد کرده است. او هم با دو فرزند کوچک‌مان می‌رود دم مغازه. احمد داشت با آنها صحبت می‌کرد. مغازه یک در از پشت دارد که با ری‌موت باز می‌شود و کلاً درهای مغازه برقی‌اند. آنها (اجرائیات) تعجب کرده بودند که او چطور رفته داخل، برق را رویش قطع می‌کنند و چون درها برقی است و دیگر کار نمی‌کند؛ یعنی احمد مانده بود در مغازه. مادرش دیده که او روی خودش بنزین ریخته است، به آنها گفته بروید، من او را ساکت می‌کنم یا حداقل در را باز کنید که من بروم پیش فرزندم. در رستوران شیشه‌ای است و نیروهای آتش‌نشانی می‌توانستند شیشه را بشکنند و بروند داخل. بچه‌های شهرداری او را تحریک می‌کنند؛ یکی می‌گوید فندک بدهم؟ کبریت بدهم؟ یک آقایی «شخصی» می‌آید مادرش را می‌کشد و احمد هم وقتی این صحنه را دید فندک را زد. نیروهای آتش‌نشانی در را کمی باز می‌کنند که او را خاموش کنند و بعد از اینکه احمد خودش را سوزاند، آنها می‌آیند شیشه را می‌شکنند که جنس‌ها را بیرون بیاورند.»

پس از درگذشت احمد، دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز نیز اعلام کرد: «این جوان که به‌خاطر سوختگی ۷۰ درصدی در بیمارستان طالقانی اهواز بستری بود، به‌رغم تلاش کادر درمانی درگذشت.» طبق اعلام دادستان اهواز، به‌رغم تأکیدهای مقام قضایی مبنی بر رعایت موازین قانونی و حقوق شهروندی، شهرداری بدون توجه به تأکیدهای مقام قضایی، شروط تعیین‌شده و به‌صورت خودسرانه و در زمان نامناسب برای تخلیه این واحد به محل مورد نظر مراجعه می‌کند. طبق تصویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، پدر احمد پس از درگذشت او اعلام کرده بود، تا وقتی شهردار از اهواز بیرون نرود، پیکر پسرش را تحویل نمی‌گیرد. به دنبال طرح این درخواست، سیدمحمدرضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان در دیدار با خانواده از پیگیری‌های انجام‌شده در این خصوص خبر داد و اعلام کرد: «خواسته‌های این خانواده محقق شده است و امروز به همراه آنان برای تحویل پیکر این جوان و برگزاری مراسم تشییع، در پزشکی قانونی حاضر شدم.»

بررسی
پژوهش

بررسی کتاب «اعتیاد و روند ابژه‌سازی معتاد چهار دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷»

معتادان؛ ۴۰ سال بعد



عکس: ایرنا

هست یعنی فقط معتاد و مصرف‌کننده نیست: «قاچاقچی، صاحب مواد، حامل، اجیر، نهادهای قضایی یعنی وکیل، بازپرس، قاضی، دادگاه انقلاب که با این‌ها در ابتدا درگیری وجود دارد، اینها نقش‌هایی هستند که به آنها پرداخته نشده است. حاملین خرد که خودشان قربانی هستند معمولاً مورد رصد قرار می‌گیرند و تیم‌ها و کسانی که پشت قضیه هستند، مغفول می‌مانند و بررسی نمی‌شوند. ضابط خاص هم بر برنامه پنجم یا ششم توسعه استناد می‌کند که بر جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی کلان می‌توان ورود کرد، یعنی با تورم قوانین و تعارض قوانین هم مواجه هستیم. در ادبیات مواد، نویسنده کارلوس فونتنس در مکزیک می‌نویسد، مکزیک باید به این نتیجه برسد که مواد را به‌رسمیت بشناسد. او منظورش این بوده که بانک اطلاعات درگاه‌ها و افراد فعال در این حوزه را به‌دست بیاوریم که جلوی خشونت و قربانی شدن افراد کم‌بضاعت را که از سر فقر حامل می‌شوند، بگیریم. در کتاب، رفرنس به سخنان امام در ابتدای انقلاب داده می‌شود که ایشان بحث انقلابی و ضدانقلابی را جدا می‌کنند، یعنی برای معتاد ضدانقلاب به کار نمی‌برد. درحالی‌که با تشکیل دادگاه ویژه، حضور خلخال، مداخله بنی‌صدر و... مسیر به‌سمت دیگری می‌رود. امتیاز این کتاب مطرح‌کردن مفهوم گفتمان به ادبیات اعتیاد است که موجب می‌شود ما از پله آخر که همان معتاد و مصرف‌کننده است، گذر کنیم، ما باید از زنجیره و اطلسی صحبت کنیم که در آن عوامل مختلف از قاچاقچی تا بازپرس، ضابط خاص و عام، نهادها و دادگاه‌ها در آن دخیل و درگیر هستند، این‌گونه است که متهم هم از حق دفاع‌اش برخوردار می‌شود.»

مهناز علی‌زاده، نویسنده کتاب هم‌در تأیید صحبت‌های امیرحسینی گفت، معنای متن کتاب هم همین است که تمام تمرکز بر مصرف‌کننده که خود قربانی اجتماعی است، بوده و همواره به‌مثابه مجرم اجتماعی انگاشته شده و از سطح کلان غفلت شده است؛ چه زمانی که مجرم و چه زمانی که بیمار انگاشته شده، تفاوتی ندارد. چون مصرف‌کننده معلول اجتماعی است، درحالی‌که همواره و طی این دهه‌ها علت اجتماعی و متهم قلمداد شده است، فقط برچسب یا لیبل اتهام او مدام دستخوش تغییر شده است: «خود این نگاه به مصرف‌کننده، حاصل گفتمانی با عنوان سیاست اجتماعی کردن امر مبارزه با

نیز با هم داشتند: «یکی از مهمترین این گفتمان‌ها که همواره پر قدرت و تأثیرگذار عمل کرده، گفتمان حقوقی بوده که زمینه تناقضات و تفسیر به رأی‌ها را در عرصه سیاست‌گذاری‌های حوزه اعتیاد همواره فراهم کرده است. در تمام این دهه‌ها دیده‌شدن اعتیاد از منظر جرم‌شناسی، یعنی شناسایی علل اعتیاد از طریق شناخت زندگی معتاد، دغدغه نبوده و مغفول مانده است. گفتمان‌های غالب که از مهمترین آنها حقوقی بوده، رویه‌های طرد و کنارگذاری معتاد را رقم زده‌اند.» بخش دوم این پژوهش که مطالعه در سطح خرد بوده، بررسی کرده است که این گفتمان‌های غالب چه تأثیری در بساخت ذهن معتاد، خانواده و فضای عمومی جامعه داشته یا به‌عبارتی ذهن‌ها را چگونه ساخته‌اند. به‌گونه‌ای که حاصل چنین بوده که این ذهن‌ها دگراندیشی در باب اعتیاد نداشته باشند: «مباحث حقوقی و اجرای آن، بستری را فراهم آورده که تجربیات احساسی معتادان در سطح خرد از آن برآمده است. احساساتی چون گناه، شرم و ندامت، سرزنش، ناامنی و بی‌اعتمادی، ترس، حقارت و خود بزرگ‌بینی، ترجم، خشم و... را به‌طور هم‌زمان در فرد معتاد ایجاد کرده است.»

▼ حاملان خرد، قربانیان خاموش

بهادر امیرحسینی، حقوق‌دان، دیگر سخنران این نشست بود. او گفت که همیشه زنجیره آخر یعنی معتاد و مصرف‌کننده دیده شده، درحالی‌که وقتی صحبت از گفتمان می‌شود یعنی مفهومی ورای این قضیه عنوان می‌شود: «این گفتمان از جغرافیا و اطلس مواد مخدر در ایران شکل می‌گیرد؛ در کتاب نکته جالبی بیان می‌شود که ابتدای انقلاب براساس سیاست‌ها، ۳۳ هزارهکتار زمین‌های کشت خشخاش از بین می‌رود. این اطلس از زاهدان و یزد (سنتی) نشأت می‌گیرد و به سراسر ایران پخش می‌شود. زمانی که تریاک گران می‌شود طی ۱۰ سال اخیر با ورود مجدد طالبان و سیاست‌های آنها، اطلس جغرافیای حمل مواد مخدر عوض می‌شود، به‌دلیل گرانی گرایش به‌سمت صنعتی پیدا می‌کند و در نتیجه از یزد به‌سمت مشهد، گرگان، عشق‌آباد، ترکمنستان و... منتقل می‌شود.»

او در ادامه گفت که در این دو مسیر، عوامل متعددی



فرح ترکمان

جامعه‌شناس:

اعتیاد در دو سطح صنعتی و سنتی در بحث اجرای قانون و دخالت دولت، دو مبحث کاملاً مختلف را می‌طلبد که همواره باید در اجرا و تعلیق، قانون کاملاً حضور داشته باشد و بحث خصوصی‌سازی جوابگو نیست. در اجرای قوانین و فرهنگ‌سازی باید کارهایی انجام شود که این انگ اعتیاد از ابتدا زده نشود و در اینجا خصوصی‌سازی جوابگو نخواهد بود. اجرای قانون به عدالت، در همه سطوح و قدرتمند عمل کردن‌اش بسیار مهم است. پس، باید بحث قانون را از اجرای قانون جدا کرد

گروه جامعه: «کتاب حاضر برگرفته از پژوهشی گفتمانی و انتقادی است که زیر نظر دکتر یوسف ابادری و دکتر فرح ترکمان سال‌ها به طول انجامیده است. این پژوهش تلاش کرده از دریچه‌ای نو و البته متفاوت و جامعه‌شناسانه به اعتیاد ایران نگاه داشته باشد. می‌دانیم در بازه زمانی مورد مطالعه پژوهش - یعنی چنددهه اخیر پس از انقلاب ۵۷ - اعتیاد همواره به‌مثابه جرم، بیماری و... دیده شده، درحالی‌که این کتاب تلاش کرده اعتیاد را به‌مثابه گفتار، کنش، پدیده اجتماعی و... در پیوند با تمام مفاهیم جامعه‌شناختی ببیند که تاکنون و بالاخص طی این چند دهه، چنین دیده نشده است.»

اینها سخنان مهناز علی‌زاده، نویسنده کتاب «اعتیاد و روند ابژه‌سازی معتاد چهار دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷» است که محتوایش در نشست «بستر حقوقی تجربیات احساسی معتادان با تکیه بر کتاب اعتیاد و روند ابژه‌سازی معتاد چهار دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷» با حضور مهناز علی‌زاده نویسنده کتاب (دکتری جامعه‌شناسی، موسس موسسه نوآندیشی عرصه هویت، پژوهشگر و استاد دانشگاه)، بهادر امیرحسینی (وکیل دادگستری و فعال در پرونده‌های حوزه مواد مخدر) و پدram امیریان (پژوهشگر دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی و فرح ترکمان (عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی) بررسی شد.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است که بخش نخست و سطح کلان آن به واکاوی گفتمان‌های مسلط بر فضای اعتیاد طی این دهه‌های پس از انقلاب ۵۷ می‌پردازد. در این بخش، از اسناد موجود که دسترسی به آنها نیز چالش‌هایی برای پژوهشگر داشته و مصاحبه‌های عمیق و کیفی با چندین گروه اعم از مسئولان و سیاست‌گذاران حوزه اعتیاد، متخصصان این حوزه، متولیان انژبوه‌های اعتیاد، مسئولان کمپ‌های زنان و مردان و... استفاده شده است. نویسنده این کتاب معتقد است که گفتمان‌های مسلط در چهار دهه گذشته، حقیقت اعتیاد را ساختند و از این طریق معتاد، به‌طور هم‌زمان مبدل به ابژه استیلا و ابژه دانش شده است. به گفته او در این کتاب، گفتمان دینی، پزشکی و روانپزشکی، حقوقی و قضایی، فرهنگی، اجتماعی و... به‌عنوان گفتمان‌های مسلط شناسایی شد که بعضاً این گفتمان‌ها در عین چرخش‌های گفتمانی، گره‌گاه‌هایی